

* بررسی تأثیر رفتارهای مذهبی بر افزایش سرمایه اجتماعی*

□ محسن مرادی
□ هدی جاحرمی
□ حسین طاهری پور

چکیده

سرمایه اجتماعی در هر گروه یا جامعه‌ای نشان‌دهنده کیفیت کارکرد نهادهای اجتماعی آن جامعه است. وجود میزان قابل قبولی از سرمایه اجتماعی موجب تسهیل کنش‌های اجتماعی می‌شود، به طوری که در موقع بحرانی می‌تواند به عنوان منبع اصلی حل مشکلات و فرآیندها به کار رود. سرمایه اجتماعی در پیشنهادهای علمی خود، برای حل معضلات اجتماعی و توسعه اجتماعی نهادهای مدنی، جهت‌گیری‌های ارزشی و دینی را به عنوان یک ضرورت قلمداد می‌کند و بر نقش مذهب به عنوان یک مفهوم جامعه ساز بیش از پیش تأکید دارد. با توجه به نقش آموزه‌های دینی و مذهب در شکل‌گیری و توسعه سرمایه اجتماعی این پژوهش تلاش می‌کند با واکاوی ادبیات و مبانی نظری سرمایه اجتماعی، جایگاه مذهب در ارتقای عناصر و مؤلفه‌های آن را تبیین کند. نتایج حاکی از آن است که افزایش گرایش‌های مذهبی و اعتقادات ایدئولوژیکی در جامعه، به افزایش سرمایه اجتماعی کمک می‌کند. مذهب با

ایجاد یک جهانی بینی واحد در میان افراد جامعه نوعی هماهنگی و همدلی ایجاد می‌نماید و افراد با پیروی از دستورات دینی به فهم مشترک از مسائل مادی و اجتماعی اطراف خود می‌رسند و زمینه برای اعتماد متقابل، انسجام اجتماعی و مشارکت پدید می‌آید.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، رفتار مذهبی، اعتماد، مشارکت اجتماعی، دین.

مقدمه

تأمین نیازهای اجتماعی از طریق همکاری و تعاون میان انسان‌ها امکان‌پذیر است؛ زیرا انسان به طور ذاتی در تعامل و تقابل با دیگران، نیازهای خود را بر طرف ساخته و گذران امور می‌کند. اثرات این کنش‌های متقابل به حدی است که حذف آن، زندگی را غیر ممکن می‌سازد. انسان‌ها با تشکیل شبکه‌ها، گروه‌ها و اجتماعات می‌توانند، توانمندی‌ها و تخصص‌های خود را با یکدیگر مبادله نموده و کارایی تلاش‌های خویش را افزایش دهند (مهری، ۱۳۹۱، ص ۳۹).

سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها^۱ یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد؛ که اعضای گروهی که همکاری و تعاون می‌انشان مجاز است، در آن سهیم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد؛ زیرا ارزش‌ها ممکن است منفی باشند هنجارهایی که سرمایه اجتماعی را تولید می‌کنند، از اساس باید شامل سجایایی از قبیل صداقت^۲، ادای تعهدات^۳ و ارتباطات دوچاره باشند (الوانی، ۱۳۸۰).

مفهوم سرمایه اجتماعی^۴ یک مفهوم فرارشته‌ای است، که در زمان اخیر مورد توجه بسیاری از شاخه‌های علوم انسانی قرار گرفته است. این مفهوم درواقع پل ارتباطی مهمی بین اقتصاد، جامعه‌شناسی^۵ و علوم سیاسی خواهد بود تا با نگرشی نو به بررسی ارزش‌های اجتماعی، به خصوص ارزش ارتباطات مردمی، برای دست‌یابی به اهداف مشترک کلان پردازد (فیلد^۶، ۲۰۰۳، به نقل از مسعود

ماجدی و عبدالعلی لهسايی زاده، ۱۳۸۵).

از طرفی، اهمیت تأثیر باورها و نهادهای دینی بر انسان و زندگی فردی و اجتماعی او به طور کامل آشکار است. دین^۸ به شکل‌های مختلف در هر فرهنگ شناخته شده‌ای وجود دارد که به طور معمول نقش اصلی و اغلب محوری را در زندگی افراد آن بازی می‌کند. بسیاری از مردم دنیا امروزه خود را دیندار می‌دانند و انگیزه‌های دینی، در شکل‌گیری حرکت‌های اجتماعی و سیاسی معاصر مشهود است (آرین، ۱۳۷۸).

پژوهش حاضر به دنبال بررسی تأثیر رفتارهای مذهبی^۹ بر سرمایه اجتماعی می‌باشد. در این راستا بدیهی است که تکوین سرمایه اجتماعی مستلزم وجود عواملی است که یکی از آنها، دین و فرهنگ دینی است. دین به عنوان ارزشی متعالی با کارکردهایی چون انضباط بخشی، حیات بخشی، انسجام بخشی و... ساز و کارهایی را موجب می‌شود که در قالب آنها سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد. همچنین با توجه به تأثیری که دین می‌تواند در چگونگی روابط میان افراد (که دغدغه اصلی اندیشمندان حوزه سرمایه اجتماعی می‌باشد) داشته باشد، ضرورت تبیین دقیق و علمی تأثیر رفتارهای مذهبی بر سرمایه اجتماعی و نشان دادن چگونگی این تأثیر و نیز بررسی جهت و شدت آن روش می‌گردد.

بیان مسئله و ضرورت تحقیق

مفهوم سرمایه اجتماعی بر روابط میان انسان‌ها تمرکز دارد. روابطی که در تمام لحظات زندگی روزمره و در طول عمر انسان‌ها جریان دارد و رفتار^{۱۰} و نگرش^{۱۱} آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (رنانی، ۱۳۸۱، ص ۳۵). به طور کلی می‌توان مفهوم اصلی سرمایه اجتماعی را در سه کلمه بیان کرد: ارتباطات مهم هستند. مردم با ایجاد ارتباط با یکدیگر، دست به کارهایی می‌زنند که به تنها یی یا قادر به انجام آن نیستند یا برای انجام آن مشکلات فراوانی خواهند داشت (حسینی، ۱۳۸۴، ص ۶۲). وجود سرمایه اجتماعی شرط لازم و نه کافی برای نتیجه‌بخشی

سرمایه‌ها و سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی است. بررسی دقیق‌تر سرمایه‌اجتماعی، حاکی از این است، که بدون وجود این سرمایه، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه‌ای نمی‌رسد.

امروزه، سرمایه اجتماعی نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع ایفا می‌کند. در غیاب سرمایه اجتماعی سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون آن، پیمودن راههای توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می‌شود.

از جمله اثرات بی‌توجهی به مفهوم سرمایه اجتماعی که در دهه‌های گذشته به وضوح در برخی کشورهای جهان دیده شده است عبارتند از: فروپاشی نهاد خانواده و ناپایدارشدن روابط اجتماعی، کاهش میزان همبستگی اجتماعی، از رونق افتادن فعالیت‌های اقتصادی، گسترش ناهنجاری‌های رفتاری در میان جوانان و نوجوانان و ناامنی در مؤسسه‌های آموزشی، از میان رفتن اعتماد اجتماعی^{۱۲} و انسجام اجتماعی^{۱۳} در بین افراد جامعه، باعث ایجاد اختلال و بی‌نظمی عمومی در جامعه و در نتیجه کاهش سطح کیفیت زندگی^{۱۴} افراد و اشاره جامعه خواهد شد. بنابراین برای بالا بردن سطح کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی^{۱۵} افراد جامعه، توجه جدی به این موضوع امری لازم و اجتناب‌ناپذیر است و توجه بیشتر مسؤولان و مقامات و دست اندر کاران این امر را می‌طلبد.

اصطلاح سرمایه اجتماعی در سه دهه گذشته، موضوع بررسی‌های بسیاری در علوم اجتماعی و به ویژه در جامعه‌شناسی بوده است. این اصطلاح توانست در کمتر از دو دهه ادبیات بسیار گسترده‌ای را به خود اختصاص دهد و به مفهومی اسطوره‌ای تبدیل شود. مفهوم سرمایه اجتماعی می‌تواند جامعه‌شناسان را در بررسی علمی نابسامانی‌های جامعه امروز یاری رساند و نیز همانند شاه کلیدی در دست سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی جامعه، زمینه مبارزه درست با این نابسامانی‌ها را فراهم آورد و باعث بالا رفتن سطح کیفیت زندگی افراد جامعه

شود.

﴿۱۲۹﴾

فوکویاما (۱۹۹۵) در تقسیم‌بندی عوامل ساخت سرمایه اجتماعی، برخی از این عوامل را بیرونی^{۱۶} و یکی از عوامل بیرونی را دین می‌داند. دین بخش بزرگی از فرهنگ انسانی را تشکیل می‌دهد که می‌تواند با ایجاد باورها و ارزش‌های مشترک میان پیروان خود و فراخوانی آنها به انجام مناسک و اعمال مذهبی مشترک، آنان را به دور یکدیگر جمع کرده و از این طریق موجبات استحکام و دوام اجتماعی را فراهم کند.

از سوی دیگر اندیشمندان زیادی نیز طی مطالعات خود در خصوص تبیین سرمایه اجتماعی، از دین و مذهب به عنوان یکی از ساز و کارهای سرمایه اجتماعی یاد کرده‌اند، به طوری که در این مورد، از تحقیقات تجربی نیز اغماض ننموده‌اند (ربانی، ۱۳۸۷).

شواهد متعددی در سطح دنیا و در بین ادیان مختلف، بیان‌گر آن است که مذهب یک موتور مولد سرمایه اجتماعی است، از این روی در جامعه‌ای نظری ایران، که در آن نهاد دین به عنوان یک مؤلفه مهم زندگی جمعی ایفای نقش می‌کند، می‌توان اهمیت دین و مذهب را در شکل‌گیری، تداوم و تکوین سرمایه اجتماعی منحصر به فرد و متمایز دانست. زیرا نهاد دین در جامعه ایران علاوه بر استحکام و تثیت در ذهنیت و گرایش‌های عمومی جامعه، دارای کارکردهای عمیق مستقیم و غیرمستقیم در سایر حوزه‌های فردی و اجتماعی زندگی از جمله فرهنگ، سیاست، روابط اجتماعی، خانواده، اوقات فراغت و غیره است (افشانی، ۱۳۹۱، ص ۲۶۲).

این پژوهش با مطالعه دقیق تحقیقات مشابه در این زمینه می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که «آیا رفتارهای مذهبی بر سرمایه اجتماعی تأثیرگذار است؟».

روش تحقیق

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از متون موجود انجام شده است؛

بدین صورت که پس از شناسایی منابع (کتب، مقالات، طرح‌های پژوهشی و پایاننامه‌ها) مورد نیاز، اطلاعات لازم از این منابع، استخراج و پس از تصفیه، اطلاعات جمع‌آوری شده مورد تحلیل قرار گرفته است. در مرحله بعد، پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات تصفیه شده، ارزیابی و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

مفهوم‌شناسی سرمایه اجتماعی

توجه جدی به مفهوم سرمایه اجتماعی به دهه ۱۹۶۰ میلادی و جنبش‌های اجتماعی مانند فمینیسم^{۱۷} و برابری خواهی سیاهان بازمی‌گردد. اگر چه از قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم رابطه اجتماعی و ویژگی‌های آن یکی از موضوعات مرکزی جامعه‌شناسی بوده است (توکویل، ۱۳۴۷ و دورکیم^{۱۸}، ۱۳۸۱)، اما توجه به رابطه اجتماعی به عنوان مسئله‌ای برای سیاست‌گذاران اجتماعی و برنامه‌ریزان بسیار جدی‌تر است (فیلد، ۲۰۰۳)، به نقل از مسعود ماجدی و عبدالعلی لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵). وجه دیگر اهمیت یافتن روابط اجتماعی رابطه آن با اقتصاد است. از دهه ۱۹۶۰ میلادی و هم زمان با آثار برخی اقتصاددانان مانند تئودور شولتز^{۱۹} و بکر، مفاهیمی مانند سرمایه انسانی عرضه شدند که به اهمیت منابع غیرمالی در اقتصاد پرداخته بودند.

بعد از این دوران سه جریان عمده فکری را در حوزه سرمایه اجتماعی می‌توان یافت که هر کدام محصولات فکری بسیاری را عرضه کرده‌اند. پیربوردیو، به عنوان یک جامعه‌شناس انتقادی که زمینه‌های مارکسیستی روشنی در افکارش وجود داشت، در جستجوی منابع طبقه مسلط برای بازتولید فرادستی خود، چهار نوع سرمایه را نام برده: سرمایه مادی، سرمایه فرهنگی^{۲۰} و سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادی. تمام این انواع سرمایه در خدمت صاحبان آنها هستند تا نابرابری را تجدید کنند. تعریف بوردیو از سرمایه اجتماعی، مشتمل است بر «مجموعه منابع واقعی یا مجازی که از طریق داشتن شبکه^{۲۱} های پایا و کم و بیش نهادینه شده روابط دو طرفه آشنایی و شناخت، برای یک فرد یا گروه انباشته

می شود». جیمز کلمن^{۲۲}، جامعه‌شناس آمریکایی، تقریباً هم زمان با بوردیو اما در زمینه‌ای متفاوت وارد حوزه سرمایه اجتماعی شد. گرچه کلمن هم مانند بوردیو علائق فراوانی در حوزه آموزش و پرورش داشت، اما دیدگاه محافظه کارانه او موجب شد که از جنبه‌ای به طور کلی متفاوت به سرمایه اجتماعی بنگرد. وی سرمایه اجتماعی را چنین تعریف می‌کند: «مجموعه منابعی که در ماهیت روابط خانوادگی و در سازمان اجتماعی اجتماع وجود دارند و برای رشد شناختی و اجتماعی کودک و جوان مفید هستند. این منابع برای افراد مختلف متفاوت هستند و می‌توانند مزیت مهمی برای کودکان و نوجوانان در توسعه سرمایه انسانی آنها باشند (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۳۰۲). در دیدگاه کلمن جایی برای بازتولید نابرابری نیست. او سرمایه اجتماعی را دارایی می‌داند که می‌تواند به همه افراد جامعه کمک کند. وی در این زمینه اهمیت زیادی برای نهادهای کهن جامعه مانند خانواده و کلیسا قائل می‌باشد و معتقد است این دو نهاد می‌توانند به خوبی تأمین کننده سرمایه اجتماعی برای نسل جدید باشند. رابت پاتنام^{۲۳}، عالم علوم سیاسی آمریکایی، در اواخر دهه ۱۹۹۰ با رویکردی متفاوت، وارد حوزه سرمایه اجتماعی شد و البته رونقی صد چندان به آن بخشید. در واقع پاتنام کار خود را با مسئله‌ای شروع کرد که آن را خطر افول حیات مدنی در ایالات متحده می‌نامید. او معتقد بود که آن ویژگی‌های مشتبی که توکویل در قرن نوزدهم برای جامعه آمریکا نام برده است رو به زوال هستند؛ ویژگی‌هایی مثل مشارکت جدی مردم در حیات مدنی و وجود پیوندهای اجتماعی فراتر از روابط دوستی و خویشاوندی. پاتنام برای فرمولبندی این مسئله از مفهوم سرمایه اجتماعی استفاده کرد. او درباره سرمایه اجتماعی می‌گوید: «این مفهوم به ارتباطات بین افراد، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و قبل اعتماد بودن که از آنها ناشی می‌شود، اشاره دارد» (فیلد، ۲۰۰۳، به نقل از مسعود ماجدی و عبدالعلی لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵). او در اثر مهم خود، سرمایه اجتماعی را در جامعه آمریکا

بررسی کرد، که واحدهای تحلیل او ۵۰ ایالت بودند. دیدگاه پاتنام کلان است و کاملاً کاربردی با مفهوم سرمایه اجتماعی روپروردیده است.

در سال‌های اخیر، سرمایه اجتماعی مورد اقبال سازمان‌های تأثیرگذار بین‌المللی، مانند بانک جهانی^{۲۴} و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^{۲۵} هم قرار گرفته است. این سازمان‌ها هم‌هر کدام به ارائه تعریفی از سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. گرچه به راحتی می‌توان حوزه مفهومی سرمایه اجتماعی را مشخص کرد، اما در هنگام ارائه تعریفی دقیق از آن باز هم اختلافات بروز می‌کنند. به آسانی می‌توان گفت سرمایه اجتماعی ناظر بر اهمیت روابط اجتماعی است (فیلد، ۲۰۰۳، به نقل از مسعود ماجدی و عبدالعلی لحسابی زاده، ۱۳۸۵). بنابراین، تعریف سرمایه اجتماعی در سطح فردی عبارت است از: کیمیت و کیفیت روابط اجتماعی فرد در جامعه. کیمیت روابط اجتماعی مربوط به تعدد آنهاست و کیفیت آن مربوط به اهمیت و عمق این روابط است. به عبارت دیگر از آنجایی که قرار است روابط اجتماعی به فرد کمک کنند تا به منابع کمیاب جامعه دست یابد، بنابراین هر ویژگی رابطه‌ای که بتواند چنین کارکردی داشته باشد، جزوی از سرمایه اجتماعی است. اگر از سطح فردی فراتر رویم، آن گاه می‌توان این ویژگی‌های رابطه‌ای را هنجارها، ارزش‌ها و به طور کلی ویژگی‌های فرهنگی - ساختاری جامعه نامید.

در واقع سرمایه اجتماعی، مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی است، که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد: یعنی به عنوان توانایی افراد برای کار با یکدیگر، در جهت اهداف عمومی در گروه‌ها و سازمان‌ها تعریف می‌شود (فوکویاما، ۱۳۷۹).

از نظر پاتنام منظور از سرمایه اجتماعی وجود گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌های است، که می‌توانند با ایجاد و تسهیل امکانات

هماهنگ، کارایی جامعه را بهتر کنند (از کیا و غفاری، ۱۳۸۳، ص ۲۷۸).

۱۳۳

جدول (۱): خلاصه تعاریف سرمایه اجتماعی (ربانی، ۱۳۸۷)

محقق	تعريف سرمایه اجتماعی	هدف	سطح تجزیه و تحلیل
بوردیو	منابعی که منافع عمومی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.	دست‌یابی به سرمایه اقتصادی	افراد در حال رقابت با هم
وری	منابعی که برای رشد شناختی یا اجتماعی افراد سودمند است.	دست‌یابی به تسهیل کنش	روابط خانوادگی
کلمن	جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی که اعضاء آن به عنوان منبعی برای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کنند.	دست‌یابی به سرمایه انسانی	افراد در گروه‌های فامیلی و اجتماعی (فرد یا گروه)
پاتنام	مفاهیمی همچون اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت اعضاء می‌شود.	دست‌یابی به دموکراسی و توسعه اقتصادی	نظام سیاسی در سطح ملی
فوکویاما	مجموعه‌ای از هنجارهای غیر رسمی که موجب همکاری و تعامل اعضاء می‌شود.	ایجاد پیوند و اعتماد بین افراد	خانواده‌ها با یکدیگر و افراد در خانوارها

نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی

از جمله اندیشمندانی که به طور سیستمی برای اولین بار نظریه سرمایه اجتماعی را مطرح کردند، می‌توان به بوردیو، کلمن، پاتنام، فوکویاما، دوتولیل، افه و فوش^{۲۶} و... اشاره کرد.

پیر بوردیو^{۲۷} : از دیدگاه بوردیو، سرمایه اجتماعی، جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل شبکه‌ای بادوام از روابط کمایش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل - یا به بیان دیگر، با عضویت در یک گروه - است.

شبکه‌ای که هریک از اعضای خود را از پشتیانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد (تاجیخش، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷).

«آنها» اعتقاد دارد برداشتی که بوردیو از طبقه دارد، فراتر از مفهوم طبقه نزد مارکس است؛ بوردیو برخلاف مارکس که طبقه را نظامی از حقوق مادی می‌داند، برداشت پیچیده‌ای را مطرح می‌کند، که انواع سرمایه را در برمی‌گیرد که عبارتند از:

الف - سرمایه فرهنگی؛

ب - سرمایه اقتصادی؛

ج - سرمایه اجتماعی.

شکل اقتصادی سرمایه، بلافاصله قابل تبدیل شدن به پول است؛ مانند دارایی‌های منقول و ثابت یک سازمان. سرمایه فرهنگی، نوع دیگر سرمایه است که در یک سازمان وجود دارد؛ مانند تحصیلات عالیه اعضای سازمان که این سرمایه در برخی موارد و تحت شرایطی قابل تبدیل شدن به سرمایه اقتصادی است و سرانجام شکل دیگر سرمایه، سرمایه اجتماعی است که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می‌تواند به عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه‌های اقتصادی باشد «از نظر بوردیو سرمایه اجتماعی عبارت است از: انباست منابع بالفعل یا بالقوه که تصاحب یک شبکه با دوام روابط پشتیانی سرمایه جمعی برخورد می‌کند و آن را مستحق اعتبار می‌سازد» (استونز^{۲۸}، ۱۳۷۹، ص ۳۲۸). به عبارت دیگر مجموع منابع واقعی و بالقوه‌ای که در ارتباط با اعضای گروه می‌باشد و برای آنها یک سرمایه تصاحب شده جمعی ایجاد می‌کند.

به عقیده بوردیو، سرمایه اجتماعی در مالک سرمایه‌داری به عنوان ابزاری برای تثیت و تقویت جایگاه اقتصادی افراد به شمار می‌رود. در این مالک سرمایه اقتصادی پایه است، و سرمایه اجتماعی و فرهنگی ابزارهایی برای تحقق

آن محسوب می‌شوند. می‌توان نتیجه گرفت که دیدگاه بوردیو در زمینه سرمایه اجتماعی یک دیدگاه ابزاری صرف است. به عبارتی دیگر اگر سرمایه اجتماعی نتواند موجب رشد سرمایه اقتصادی شود، کاربردی نخواهد داشت (الوانی، ۱۳۷۸، ص ۵).

جیمز کلمن: جیمز کلمن به مانند پیر بوردیو مفهوم سرمایه اجتماعی را از اقتصاد به جامعه‌شناسی آورد. رویکرد او براساس تئوری انتخاب عقلانی و برگرفته و توسعه یافته از کار پیشین او در نظریه «مبادله اجتماعی»^{۲۹} است. برای او سرمایه اجتماعی نشان دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبعی برای آن گروه عمل نماید، او معتقد است که سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود و به آن به مثابه شیئی واحد نمی‌نگرد، بلکه آن را چیزهای گوناگونی می‌داند که از نظر او دو ویژگی مشترک دارند:

الف - همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند.

ب - سرمایه اجتماعی تنش‌های بین افرادی را که در درون ساختار هستند، تسهیل می‌کند. برای کلمن مفهوم سرمایه اجتماعی نشان دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبعی برای اعضای آن گروه عمل نماید (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۳۰۲).

کلمن اشکال عمدۀ سرمایه اجتماعی را تعهدات و انتظارات، ظرفیت بالقوه اطلاعات، هنجارها و ضمانت‌های اجرایی مؤثر، روابط اقتدار، سازمان اجتماعی انطباق‌پذیر و سازمان تعهدی می‌داند.

رابرت پاتنام: پاتنام با بررسی نواحی جنوب ایتالیا و طرح سؤالاتی پیرامون شرایط ضروری برای شکل‌گیری جامعه مدنی، جایگاه تازه‌ای به تئوری سرمایه اجتماعی داد و موقعیت این تئوری را در ادبیات اجتماعی به نحو محسوسی ارتقاء بخشید. ریشه‌های کار او در افکار «دو توکویل»^{۳۰} و تئوری کلاسیک دموکراسی که «روسو»^{۳۱} و «استوارت میل»^{۳۲} از آن دفاع کرده بودند، یافت

می شود. به نظر پاتنام سرمایه اجتماعی از شبکه های اجتماعی و هنجارهای متقابل و اعتماد حاصل از آنها تشکیل شده است. او اعتقاد دارد که سرمایه اجتماعی به خصوص بر حسب فعالیت تعاونی رسمی و عادات همکاری اجتماعی، اعتماد را تشکیل می دهد، که این نیز به نوبه خود منجر به میزان بالاتری از مشارکت سیاسی می شود. پاتنام این مفهوم را در فهم و تقویت بنیان گذاری نهادی دموکراتیک، در سطوح منطقه ای و ملی به کار می برد. استفاده او از مفهوم سرمایه اجتماعی از جیمز کلمن تأثیر پذیرفته و با وجود اینکه زمینه های مورد علاقه او و کلمن متفاوت است، هر دوی آنها بر این باورند که سرمایه اجتماعی یک کالای عمومی است، یک منبع در اجتماع که به آن کمتر بها داده می شود، به طور معمول کمتر موجود است.

تعریف پاتنام از سرمایه اجتماعی شباht بسیاری به تعریف جیمز کلمن دارد. از نظر او سرمایه اجتماعی به آن دسته از عناصر و ویژگی های سازمان اجتماعی مربوط می گردد که هماهنگی و همکاری متقابل را برای افراد یک جامعه خاصی تسهیل می کند که این ویژگی ها شامل شبکه های اجتماعی و اعتماد اجتماعی هستند (فیلد، ۱۳۸۵).

اعتماد اجتماعی: اعتماد تقویت همکاری و همکاری تقویت اعتماد را به دنبال دارد و هر دو از هم تأثیر می پذیرند. هر چه سطح اعتماد در جامعه ای بالاتر باشد، احتمال همکاری بیشتر خواهد بود. پاتنام اعتماد را ناشی از دو منبع هنجارهای معامله ای متقابل و شبکه های مشارکت مدنی می داند. به نظر پاتنام هنجارهای معامله ای متقابل شبکه های مشارکت مدنی و همکاری موققیت آمیز متقابل، همدیگر را تقویت می کنند. وجود نهادهای همکاری جویانه کار آمد، مستلزم مهارت ها و اعتماد بین اشخاص است. اما آن مهارت ها و این اعتماد نیز به نوبه خود به وسیله همکاری سازمان یافته تلقین و تقویت می شود. هنجارها و شبکه های مشارکت مدنی به رفاه اقتصادی کمک می نماید و به نوبه خود نیز توسط این رفاه تقویت

می‌شوند (فیلد، ۱۳۸۵).

فرانسیس فوکویاما^{۳۳}: فوکویاما، از متفکرین عصر ما در کتاب معروف پایان

﴿۱۳۷﴾

نظم می‌گوید: اصطلاح سرمایه اجتماعی نخستین بار در اثر کلاسیک جین جاکوب (مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکا ۱۹۶۱) به کار رفته است؛ که در این اثر توضیح داده که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های قدیمی و مختلط شهری صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۱۰). فوکویاما بر وجود هنجارها و ارزش‌های غیر رسمی در یک گروه اعتقاد دارد و سرمایه اجتماعی را این گونه تعریف می‌کند: «سرمایه اجتماعی مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی است، که اعضای گروهی که همکاری و تعامل میانشان مجاز است، در آن سهیم هستند» (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۱۱). به نظر او هنجارهای تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی می‌توانند از هنجار روابط دو دوست گرفته تا آموزه‌های پیچیده‌ای را در بر گیرند. این همکاری‌ها باید در روابط بالفعل آدمیان به طور عینی مصدقای باشد (تاجیخش، ۱۳۸۴، ص ۱۶۹).

- دو توکویل: مدلی که «توکویل» درباره سرمایه اجتماعی ارائه می‌کند از این جهت غالب است که وی نشان می‌دهد، چگونه سازمان‌های داوطلبانه می‌توانند به ایجاد سرمایه اجتماعی و تقویت همکاری کمک کنند.

بسیاری از سازمان‌های موجود از اعضای خود می‌خواهند که اهداف بلند مدت سازمان را به منافع زودگذر و فوری خویش ترجیح دهند و این یکی از قواعد همکاری است که باید از منافع خود به خاطر منافع گروه چشم‌پوشی نمود. زیرا فرد این گونه متقادع می‌شود که منافع او در میان جمع پایدارتر و مفیدتر خواهد بود. «توکویل» مکانیسم غلبه بر «ادراک صحیح از منافع خود» را در جامعه آمریکایی مطرح می‌کند و منظور او در واقع تبیین روشهای است که مردم با رضایت کامل سهمی از زمان و دارایی‌شان را برای آسایش ملی به طور

داوطلبانه مورد استفاده قرار می‌دهند.

«توکویل» نتیجه می‌گیرد که سرمایه اجتماعی دارای سه ویژگی عمدی است و از منابع زیر تولید می‌شود:

الف - سرمایه اجتماعی به وسیله ویژگی‌های فردی و شخصیتی افراد که از طریق جامعه‌پذیری در خانواده شکل می‌گیرد به وجود می‌آید؛ اگر چه ممکن است از طریق تعامل در سازمان‌های داوطلبانه تأثیرگذارتر باشند.

ب - سرمایه اجتماعی به وسیله باورها و ارزش‌های اخلاقی افراد، که اکتسابی هستند، تولید می‌شود و بر سطح فعالیت‌های داوطلبانه آنها تأثیر می‌گذارد.

ج - سرمایه اجتماعی به وسیله تصورات جمعی بین اعضاء تولید می‌شود. از نظر توکویل برای تولید سطوح مختلف سرمایه اجتماعی مکانیسم‌های سازمان یافته لازم است. به عنوان مثال اگر سازمان‌های داوطلبانه رونق پیدا کنند، می‌توانند اعتماد بین افراد را افزایش داده و منجر به افزایش سرمایه اجتماعی گردد.

افه و فوش: «afe و fowsh» در مقالهٔ خود، سرمایه اجتماعی را به عنوان یک منبع با مالکیت جمیعی متعلق به محله، جوامع، مناطق و بخش‌ها معرفی نموده‌اند و آن را متغیر، کوچک، بزرگ و یا کم و زیاد می‌دانند. آنان سرمایه اجتماعی را با سه عنصر اصلی و شاخص معرفی می‌کنند. در قالب گرایش‌ها به آگاهی و توجیه، در بعد تمایلات رفتاری به اعتماد و در بعد الگوهای ساختاری به انجمان‌پذیری اشاره می‌کنند (afe و fosh، ۲۰۰۲، صص ۲۴۳-۱۸۹). آگاهی و توجه، شامل مجموعه افکار و عقاید و حساسیت نسبت به زندگی اجتماعی و سیاسی و توجه به هر چیزی که در سریع ترین معنا مربوط به «امور عمومی» می‌باشد. تمرکز بر رفاه مادی، رفتار اخلاقی، کمال شخصی، کیفیات زیبایی‌شناسانه و سایر ویژگی‌های شرایط زندگی که به یک جامعه سیاسی تعلق دارند و مسائل مربوط به زندگی شهری وندی، شامل موضوع آگاهی و توجه

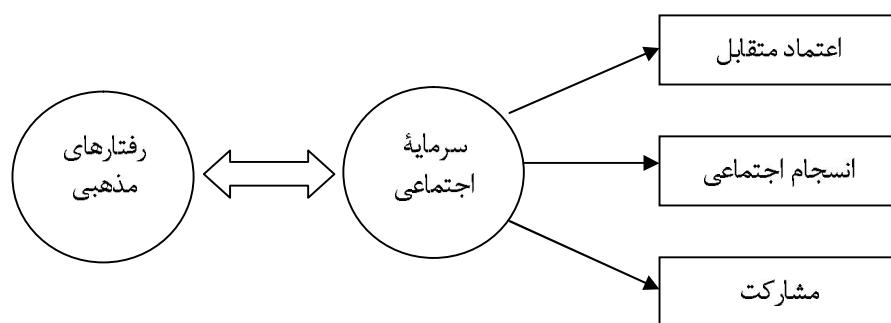
می‌گرددند. در این شکل آگاهی دارایی فردی بوده و ضرورتی در بروز و ظهور در شکل یک فعالیت مدنی و انجمنی ندارد. آگاهی و توجه، پیش شرط شناختی ضروری و شکل فعال‌تر مسؤولیت مدنی است (افه و فوش، ۲۰۰۲، صص ۱۹۰-۱۹۱).

مجموعه نظرات صاحب‌نظران در جدول ذیل خلاصه شده است.

جدول (۲) خلاصه نظریه‌های سرمایه اجتماعی

ردیف	نظریه پرداز	نظریه	منبع
۱	پیربوردیو	سرمایه اجتماعی به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می‌تواند به عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه‌های اقتصادی باشد.	استونز، ۱۳۷۹
۲	جیمز کلمن	مفهوم سرمایه اجتماعی نشان دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبعی برای اعضای آن گروه عمل نماید.	کلمن، ۱۳۷۷، ص ۳۰۲
۳	رابرت پاتنام	سرمایه اجتماعی از شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و اعتماد و حاصل از آنها تشکیل شده است به عبارت دیگر بر حسب فعالیت تعاونی رسمی و عادات همکاری اجتماعی، اعتماد را تشکیل می‌دهد که این نیز به نوبه خود منجر به میزان بالاتری از مشارکت سیاسی می‌شود.	پاتنام، ۱۳۸۵
۴	فرانسیس فوکویاما	سرمایه اجتماعی مجموعه معنی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی است، که اعضای گروهی که همکاری و تعامل میانشان مجاز است، در آن سهیم هستند.	فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۱۱
۵	دو توکویل	سرمایه اجتماعی به وسیله باورها و ارزش‌های اخلاقی افراد که اکتسابی است، تصورات جمعی بین اعضاء و ویژگی‌های فردی و شخصیتی افراد که از طریق جامعه‌پذیری در خانواده شکل می‌گیرد، تولید می‌شود؛ اگرچه ممکن است از طریق تعامل در سازمان‌های داوطلبانه تأثیرگذارتر باشد.	فوکویاما، ۱۳۷۹
۶	افه و فوش	سرمایه اجتماعی به عنوان یک منبع با مالکیت جمعی متعلق به محله، جوامع، مناطق و بخش‌های است، که متغیر، کوچک، بزرگ و یا کم و زیاد می‌باشد. سه عنصر اصلی و شاخص سرمایه اجتماعی در قالب گراش‌ها به آگاهی و توجیه، در بعد تمایلات رفتاری به اعتماد و در بعد الگوهای ساختاری به انجمان‌پذیری اشاره می‌کنند.	افه و فوش، ۲۰۰۲، صص ۱۸۹-۲۴۳

با توجه به مباحث نظری مطرح در حوزه سرمایه اجتماعی و دیدگاه صاحب نظرانی همچون کلمن، پاتنام و فوکویاما، مؤلفه‌های «اعتماد»، «انسجام» و «مشارکت» به عنوان مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند. در شکل ذیل رابطه بین رفتارهای مذهبی و سرمایه اجتماعی، در قالب یک مدل مفهومی مورد بررسی قرار می‌گیرد.



شکل (۱): رابطه بین رفتارهای مذهبی و سرمایه اجتماعی

با تعریف نظری و علمی متغیرهای مطرح شده در مدل تحقیق که مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی، یعنی اعتماد، مشارکت و انسجام (همیاری و احساس تعلق) می‌باشند، فضای مفهومی و نظری متغیرها ارائه می‌گردد.

اعتماد متقابل

اعتماد^{۳۴}، دلالت بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی دارد، که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی شان دارند. اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی است و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می‌باشد. اعتماد مشارکت را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سرعت بخشیده و تمایل افراد را برای همکاری با گروه‌های مختلف جامعه، افزایش می‌دهد

(زین آبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۱). شبکه اعتماد عبارت است از گروهی که براساس اعتماد متقابل به یکدیگر، از اطلاعات، هنجارها و ارزش‌های یکسانی در تبادلات بین خود استفاده می‌کنند. از این روی، اعتماد متقابل نقش زیادی در تسهیل فرآیندها و کاهش هزینه‌های مربوط به این گونه تبادلات دارد.

کلمن مبنای شکل‌گیری و تداوم اعتماد را حفظ و اراضی منافع می‌داند و فوکویاما، با توجه به تمرکزش بر حفظ سرمایه اجتماعی به عنوان مجموعه معینی از هنجارها و ارزش‌های غیررسمی، نقش مهمی برای اعتماد در حفظ این ارزش‌ها، قائل است. متراffهای بسیاری برای آن ذکر شده، از جمله اشتراک، همدلی، تحمل و برادری، اطمینان، اتکا داشتن، آرامش داشتن، به دیگری تکیه کردن و...؛ اما در کل می‌توان آن را برآیند و نتیجه انگیزش و محركی برای شکل‌گیری روابط اجتماعی دانست. اعتماد اجتماعی مستلزم معیارهایی همچون، صداقت، عینیت، انصاف و... همه آن چیزهایی است که روابط افراد را براساس عمل مداوم به این ملاک‌ها تداوم و وسعت می‌بخشد (مهری، ۱۳۹۱).

مشارکت

مشارکت اجتماعی را می‌توان فرآیند سازمان یافته‌ای دانست، که از سوی افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی، با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص به منظور سهیم شدن در منابع قدرت انجام می‌گیرد و نمود چنین مشارکتی وجود نهادهایی همچون انجمن‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های محلی و غیردولتی است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳، ص ۲۸۷).

انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی، بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه (گروه یا سازمان) دلالت می‌کند. این انسجام، حاصل پذیرش و درونی کردن نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه، وجود تعلق جمعی، همیاری و ناشی از تراکم تعامل اجتماعی میان افراد آن جامعه است.

خاستگاه و نقش دین

در سال‌های اخیر، توجه به «روان‌شناسی دین»^{۳۵} و «روان‌شناسی دینی»^{۳۶} در غرب، از طریق انجام پژوهش‌های تجربی، نشر مقاله‌ها و کتاب‌ها و تأسیس انجمن‌ها، برگزاری نشست‌های علمی و عضویت در مجتمع تخصصی آنچنان گسترش یافته که تازه آشنايان اين وادي در حيرت و شكفتی فرو رفته‌اند!

کافی است یادآوری شود که اعضای «انجمن آمریکایی مشاوران مسیحی»^{۳۷} از دیگر انجمن‌های تخصصی (مانند انجمن مطالعات روان‌شناسی)،^{۳۸} جامعه بررسی علمی دین،^{۳۹} انجمن پژوهش‌های دینی،^{۴۰} جامعه مسیحی بزشکان و دندان پزشکان^{۴۱} و...) دست کم سه برابر شده‌اند و تقاضا برای شرکت در کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی روان‌شناسی دین، رشد چشم‌گیری داشته است (گلزاری، ۱۳۸۰ به نقل از ورتیگتون،^{۴۲} کروروسو،^{۴۳} مک کولو^{۴۴}).

علاقه‌شديد روان‌شناسی معاصر به پژوهش و کار عملی درباره دین از اين رو شگفت‌انگيز است، که در گذشته‌اي نه چندان دور، از بين همه دانشمندان علوم، چه علوم پايه و چه علوم انساني و اجتماعي، اين روان‌شناسان بوده‌اند که برخوردهای منفي و قهرآميزي با دين داشته‌اند و به صراحت از پرداختن به کار در اين زمينه اعلن برائت کرده‌اند!

برای روشن کردن موضوع، به اختصار سير برخورد روان‌شناسی و دین را از نظر می‌گذرانيم: پيروان همه اديان، به ويژه مسلمانان عقيده دارند، که علت برپا يي و مانند گاري دين، اين است که هم جزو خواسته‌های فطری و عاطفی بشر است (روم/ ۳۰؛ نهج البلاغه، خطبه اول) و هم بعضی نيازهای اساسی انسان را به صورت منحصر به فرد تأمین می‌کند (گلزاری، ۱۳۸۰ به نقل از مطهرى).

ويل دورانت در لذات فلسفه می‌نويسد: «دين را يك قرن زير فشار بگذار و بعد فشار را کم کن و ببين که چگونه دوباره در طی سال سر بر می‌زند!».

و تصریح می‌کند: دین از میان نمی‌رود ما باید به دنبال چیزی برویم که از ما

(१८८)

بزرگتر است، تا بتوانیم او را پرستش کنیم. مردم جستجوی خود را بر روی تفسیر و تعبیر بهتر و استوارتری از این عالم دنبال خواهند کرد که این تأویل و تفسیر را با احساس و عاطفه و حیات، نشاط بخشد، که همان دین است (نیکویی، ۱۳۸۳).

این جا پرسش‌های جدیدی پیش می‌آید که اگر دین پدیده‌ای فطري است و اين همه آثار مفید و سازنده دارد، چرا متفکران بزرگی در غرب علیه دین قيام می‌کنند و گاه بالحنی آرام و مستدل و گاه با کلامی گزنه و تند، پايه‌ها و مایه‌های آن را به مسخره می‌گيرند و منكر می‌شوند؟

فیلسوف‌های روشنگر قرن هجدهم از جمله ولتر، دین را ساخته و پرداخته روحا نیون زیرک، برای حفظ اقتدار بر توده‌های بی‌سواند و نادان، به مدد دستکاری هراس‌ها و خرافات آنان می‌دانستند (خرمشاهی، ۱۳۷۲). آگوست کنت^{۴۵} فیلسوف فرانسوی که پدر جامعه‌شناسی نام گرفته است، دین را مربوط به مرحله کودکی اجتماع می‌داند و فریدریش نیچه، در پایان قرن نوزدهم اعلام داشت که «خدا مرده است!». زندگی در دنیای بدون خدا، به معنای آن است که ارزش‌های خودمان را، خود خلق کنیم و بر آنچه (نیچه) تنها یی وجود می‌نامید عادت نماییم (گلزاری، ۱۳۸۰ به نقل از گیدنر^{۴۶}).

در روان‌شناسی، فروید اظهار کرد: دین فریب یا پنداری است که تسلی بخشی فریبنده‌اش در مرحله کمال کنونی سیر و سلوک بشری فراموش شده است و اعمال و عقاید دینی علائم فرضی روان‌پریشانه‌ای است که از تثیت‌های روانی لاينحل کودکانه نشات می‌گیرد (خرمشاهی، ۱۳۷۲). در جامعه‌شناسی «کارل مارکس» دین را نشان دهنده از خود بیگانگی انسان و افیون توده‌ها دانست و «دور کهایم» بیان کرد که با توسعه جوامع امروز، نفوذ دین رو به زوال می‌گذارد، تفکر علمی بیش از پیش جایگزین تبیین دینی می‌شود و اعمال تشریفاتی و شعائر تنها بخش کوچکی از زندگی افراد را اشغال می‌کند و «ماکس ویر» بر مطالعه

وسيعى درباره اديان سراسر جهان پرداخت و با آنکه به ظاهر نظرات مثبت درباره دين دانست، بر تأثير مختلط كننده و اغلب انقلابي آرمان‌های دينی بر نظام‌های اجتماعی مستقر تأكيد کرد (ابراهيمی، ۱۳۸۶).

بارزترین خصوصيات در زندگی دينی از نظر ويليام جيمز اعتقاد به امور زير است:

۱. دنيابي که محسوس است و به چشم درمی‌آيد، در کنار جهانی که نامحسوس است؛ اين دنياب مرئي و محسوس ارزش و معنى خود را از آن عالم غيب و نامحسوس دريافت می‌کند.
۲. وحدت با اين عالم و برقراری ارتباط، منوط به هماهنگی با آن هدف نهايی است.

نتيجه دعا و نماز و يا به عبارت دیگر اتصال با روح عالم خلقت، ايجاد قدرت و نيرويي است که به طور محسوس داراي آثار مادي و معنوی می‌باشد. بالاخره او در مورد اين آثار معنوی می‌نويسد: اولاً زندگي داراي طعمي می‌گردد که گويا رحمت محض است و به شکل يك زندگي سرشار از نشاط شاعرانه و با سرور و بهجت دلبرانه‌اي درمی‌آيد. ثانياً يك اطميان و آرامش باطنی ايجاد می‌شود که آثار ظاهري آن نيكوبي و احسان بی‌دریغ است (نيکوبي، ۱۳۸۳).

انسان برای اينکه به معنا و مفهومي در زندگي برسد باید پشتونه‌ای داشته باشد تا به او بفهماند که کار و تلاش او بی‌فايده نیست. تحقیقات نشان می‌دهد که با وجود گسترش وسایل مادي هنوز انسان‌ها با يك بحران روحی روپر و هستند. در اين بين تنها چيزی که می‌تواند به مدد انسان‌ها يايid و آنها رانجات دهد دين است.

نقش روانی دین

دين در زندگي انسان‌ها آثار زیادی دارد؛ از جمله اين آثار می‌توان به عاملی

برای حرکت علمی، تقویت عواطف انسانی و ثبات در برابر سختی‌ها اشاره کرد. برخلاف تصور برخی که دین را تنها برای طبقات بی‌فرهنگ و پایین جامعه ضروری می‌دانند و قشر فرهنگی را از اصول و عبارت‌ها و عبادت‌ها و اعمال دینی بی‌نیاز می‌پنداشند، دین همواره در زندگی متفکران و عالمان نقشی مثبت داشته و به وسیله این جهان‌بینی دینی، انسان و اسرار جهان را حساب شده و هدفدار می‌دانند و روح تحقیق برایشان مهیا می‌شود. ارزش‌های انسانی که در دین مورد تأکید قرار گرفته، همواره پیروان خود را از روح خشونت و جنایت بر حذر می‌دارد و کانون زندگی را بر پایه عواطف انسانی گرم و مستحکم می‌سازد، از این روی آمار خودکشی در جوامع دینی بسیار کمتر است. اعتقاد به قدرت بی‌پایان الهی در پیروان ادیان مهم‌ترین تکیه‌گاه معنوی و روانی در برابر حوادث سخت زندگی است. گسترش پدیده خودکشی در عصر کنونی مغلول عدم اتكاء به این پشتونه مهم است.

یکی از مهم‌ترین نقش‌های روانی دین، همانا آرامش است. دکتر ژوشالوت^{۴۷} معتقد است دین در زندگی انسان اطمینان و تکیه‌گاه روحی می‌بخشد. ایمان دینی به قلب انسان اطمینان و روان او را از نگرانی نجات می‌دهد. چنین حالتی برای انسان بسیار ارزشمند است. دکتر لینگ معتقد است، تنها دین موجب می‌شود آدمی خویشن را موازی منافع بزرگتری که در پیرامون خود او و غیر اوست نماید. از این روی بدون ایمان به خدا آدمی از رسیدن به اهمیت قدرت خویش عاجز است (بهشتی، ۱۳۵۰).

استاد شهید مطهری^{۴۸} در کتاب انسان و ایمان آثار نیک ایمان دینی را توضیح داده است، که در زیر به بخش‌هایی از آن اشاره می‌شود:

یکی از آثار ایمان دینی از نظر بهجت زایی و انبساط آفرینی، خوش‌بینی است. ایمان دینی از آن جهت که تلقی انسان را نسبت به جهان شکل خاصی می‌دهد، بدین معنا که آفرینش را هدفدار و هدف را خیر و تکامل معرفی

می‌کند، به طور طبیعی دید انسان را نسبت به نظام کلی و قوانین حاکم بر آن مثبت می‌سازد. خداوند در سوره طه آیه ۱۲۴ می‌فرماید: «هر کس از توجه و یاد من رو بگرداند، زندگی‌ای تنگ و پر فشار خواهد داشت». زیرا ایمان است که زندگی را در درون ما وسعت می‌بخشد و مانع فشار و عوامل روحی می‌شود. یکی دیگر از آثار ایمان دینی «امیدواری» به نتایج تلاش خوب است و این مهم با استناد به آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيغُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (توبه/۱۰)؛ «اجر و پاداش نیکوکاران هرگز هدر نمی‌رود» به خوبی ملاحظه می‌گردد.

ایجاد آرامش خاطر، از دیگر آثار ایمان دینی است. ایمان دینی به خاطر اینکه به انسان که یک طرف معادله است، نسبت به جهان که طرف دیگر معادله می‌باشد، اطمینان و اعتماد می‌بخشد، دلهره و نگرانی او را نسبت به رفتار جهان در برابر انسان زایل می‌سازد و به جای آن به او آرامش خاطر می‌دهد. ایمان دینی، در انسان نیروی مقاومت می‌آفریند و تلحی‌ها را شیرین می‌گرداند. انسان با ایمان می‌داند هرچیزی در جهان هستی حساب معینی دارد و اگر عکس العملش در برابر تلحی‌ها به نحو مطلوب باشد، اگر غیر قابل جبران هم باشند، خداوند به نحو دیگر آنها را جبران می‌کند. از نظر یک فرد با ایمان، پیری پایان کار نیست و چون همواره فراغت خویش را با عبادت و انس و ذکر خدا پر می‌کند، پیری برای وی مطبوع و دوست داشتنی می‌شود (مطهری، ۱۳۶۱).

دین به ما تعلیم می‌دهد که گذشت داشته باشیم، این احساس از خود گسیختگی نوعی کرامت و حرمت نفس را در خود برمی‌انگیزد، زیرا انسان نیاز به محبت کردن به دیگران دارد و شاید این نیاز بیش از نیاز به مورد محبت قرار گرفتن باشد که دین می‌تواند این نیاز را در متعالی ترین سطح ارضانماید، و این نه به خاطر حفظ منافع متقابل و انتظار تلافی از دیگران، بلکه تنها برای ارضاء نیازش و امید به بقای الهی صورت می‌گیرد (نیکویی، ۱۳۸۳).

از دیگر نقش‌هایی که برای دین بیان داشته‌اند این است که جلوی بدگمانی را

گرفته و به همه چیز رنگ پاکی و صفا می‌دهد و ایمان دینی به فرد آزادی می‌بخشد. دکتر ادوارد بارنز، درباره نقشی که دین می‌تواند در زندگی روانی افراد داشته باشد چنین می‌گوید: کلیه ادیان به فریادهای ناشی از ناراحتی زنان و مردانی که می‌گویند، آرامش را در کجا بیاییم جواب می‌دهد (بهشتی، ۱۳۵۰).

یک جمع‌بندی دیگر از نتایج مثبت ایمان به خدا از نظر روانی:

۱. ایمان به خدا، ارزش انسان است و معنای زندگی را به او می‌فهماند که این فهم از ایمان به عدالت^{۴۸} و حکمت^{۴۹} خدا گرفته شده است. چون ایمان به عدل و

حکمت خدا انسان را به درجه‌ای می‌رساند که معتقد می‌شود که هیچ ظلمی و هیچ بیهودگی در این زندگی وجود ندارد.

۲. ایمان به خدا از طریق ایمان به زندگی آخرت و جاودانگی در آن انسان را از وحشت می‌رهاند.

۳. ایمان به خدا در قلب انسان بیداری و احساس حرمت و احترام به زندگی و محافظت از قوانین اجتماعی و ارزش‌های عادلانه را پرورش می‌دهد.

۴. ایمان به خدا، انسان را از قید بندگی غیر خدا می‌رهاند و به او آزادی می‌بخشد.

۵. ایمان به خدا، تفکر الهی و جهت‌گیری آن را در آدمی رشد می‌دهد. قرآن کریم در سوره فتح آیه ۴ می‌فرماید: او است که بر دل‌های مؤمنان آرامش فرستاد تا بر ایمانشان بیفزاید.

دین و جامعه و نقش اجتماعی دین

در بعضی از کشورها، جامعه دینی از تشکیلات مدنی (کشوری) جدایی ناپذیر است. در جوامع مدرن، جامعه دینی یا کلیسا، به طور معمول به صورت مؤسسه‌ای در میان سایر مؤسسه‌ها درون پیکرۀ جامعه به عنوان یک کل قرار دارد و گاهی از اهمیت بیشتر یا کمتری برخوردار است.

اما بد نیست که در باب نقشی که دین در حیات جامعه ایفا می‌کند سخن

بگوییم: در حالی که تقریباً هر نظریه‌ای درباره دین، توجهی به نقش اجتماعی آن دارد، آنچه را ما نظریات جامعه‌شناختی درباره دین نامیده‌ایم، در تفسیر دین، جنبه اجتماعی، جنبه اصلی و محوری به حساب می‌آید حتی با محوری شدن جنبه اجتماعی در تفسیر دینی، میدان وسیعی از امکانات وجود دارد.

به تعبیر افراطی می‌توان گفت: دین چیزی جز پدیده اجتماعی نیست، خدایان برای اهداف اجتماعی ابداع شده‌اند و بودن خود را مر هون نیازهای جامعه می‌دانند. این نوعی پروپیتویسم اجتماعی خواهد بود. همچنین ممکن است که در حقیقت، دین به عنوان عاملی در رشد اجتماعی بشریت، به بهترین وجه بررسی شده باشد (آرین، ۱۳۸۰).

در بین عناصری که در جامعه سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورند و با توجه به ابعاد سرمایه اجتماعی، دین را به عنوان یکی از این عناصر نباید نادیده گرفت. دین یکی از عوامل سازنده است، که سرمایه اجتماعی نیز به نوعی آنها را داراست. «افراد بر حسب دین و مذهبی که دارند، ممکن است منشأ مشارکت باشند، مانند حضور و فعالیت در مساجد، تکایا، کلیساها و اماکن مذهبی و زیارتی». رابطه بین نهادهای اجتماعی دینی و شبکه‌های ارتباطی افراد، توجه جامعه‌شناسان زیادی را به خود جلب نموده است و پیام‌هایی که این نهادها به افراد جامعه ارسال می‌کنند و نظام‌هایی که فراهم می‌آورند و شبکه‌های اجتماعی که ایجاد می‌نمایند، همگی می‌توانند به عنوان منشأ و مبنایی در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی عمل کنند (مهری، ۱۳۹۱).

قرآن نیز اهداف اجتماعی دین را برای ما معین می‌سازد و مهم‌ترین نقش دین یعنی سازنده‌گی جامعه و حفظ آن از انحرافات را چنین ترسیم می‌نماید:

۱. تربیت و آمادگی فردی

دین سعی بر تربیت و آمادگی فردث دارد تا هر شخصی به تنها یی آماده زندگی اجتماعی و تعهد به نظام زندگی و ارزش‌های آن باشد.

۲. سازماندهی جامعه

گام دوم، سازماندهی جامعه و تعهد بر حرمت قانون است تا حیات اجتماعی و روح قانون حفظ شود (نساء ۱۴/).^{۵۶}

۳. حفاظت از بنيان سالم جامعه

آخرین مرحله در تکمیل سازندگی جامعه، وادار ساختن انسان‌ها به اصلاح کثی‌ها و انحرافات و نهی از منکرات و باز داشتن افراد از تخریب جامعه پس از سازندگی آن است (اعراف ۵۶).

علل رویگردانی از دین: «والتمرترنس استیس» فیلسوف تجربه باور انگلیسی - آمریکایی (۱۹۵۲، ترجمة جلیلی، ۱۳۷۷) ضعیف شدن باورهای دینی را یکی از مهم‌ترین پیامدهای ظهور علم نوین می‌داند.

«blast» در کتاب لیبرالیسم غرب (ترجمه فخری ۱۳۷۷) برخی از علل روانی را به اختصار برمی‌شمرد: «دین نهادی شده به ویژه کلیسای کاتولیست، دشمن اصلی آزادی اندیشه و بحث در اروپای آن روزگار بود ... تقریباً تمامی آثار عمده فلسفی و نظری در قرن هفدهم و هجدهم، در فهرست کتب ممنوعه قرار داشت، بدین ترتیب فلاسفه به ناگزیر با کلیسای کاتولیک درگیر می‌شدند».

شهید مطهری رهنما (۱۳۵۲) سه عامل: نارسایی مفاهیم کلیسایی در مورد خدا و ماوراء الطبيعه، نارسایی برخی مفاهیم اجتماعی و سیاسی مسیحیت و خشونت‌های کلیسا را از طریق محاکم تفتیش عقاید، علت‌های رویگردانی غرب از دین می‌داند و در کتاب گران‌سنگ خود علل گرایش به مادی‌گری به تفصیل درباره آن بحث می‌کند.

پیشینه تحقیق

در غالب پژوهش‌های مرتبط با موضوعات سرمایه اجتماعی و تأثیر رفتارهای مذهبی بر آن، محققان بیشتر به بررسی سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند و تحقیقات

معدودی نیز در داخل کشور رابطه سرمایه اجتماعی و دینداری^۵ را بررسی نموده‌اند.

﴿۱۵۱﴾

تحقیقات داخلی انجام شده در خصوص بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و دینداری را به طور اهم بشرح زیر می‌توان مورد اشاره قرار داد:

بهاری و میثمی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش دینداری در سرمایه اجتماعی کارکنان شرکت ملی صنایع پتروشیمی ماهشهر» به بررسی رابطه دو متغیر دینداری و سرمایه اجتماعی میان کارکنان صنایع پتروشیمی پرداخته‌اند. جامعه آماری شامل تمام کارکنان رسمی شرکت‌های پتروشیمی به تعداد ۳۱۰۰ نفر واقع در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی در ماهشهر بوده است که در نهایت براساس یافته‌های تحقیق وجود رابطه مثبت و مستقیم بین دینداری با سرمایه اجتماعی به اثبات رسیده است.

افشانی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی تحت عنوان «رابطه دینداری با سرمایه اجتماعی در شهر نجف‌آباد» به تحلیل و بررسی رابطه این دو متغیر پرداخته است. این تحقیق در بین ۲۴۴ نفر از افراد ۱۵ ساله و بیشتر شهر نجف‌آباد انجام شده است. براساس یافته‌های تحقیق بین ابعاد مختلف دینداری و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. همچنین ابعاد فکری و مناسکی سازه، دینداری، قوی‌ترین همبستگی مستقیم را با ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی دارند.

مهدوی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی با موضوع «معاشرت و مشارکت در حلقة ارتباطی در تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: شهر وندان تهرانی)» به بررسی تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی در میان شهر وندان مسلمان ساکن تهران پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که متغیر دینداری بر تیپ شخصیتی معاشرتی و مشارکت‌های داوطلبانه مؤثر است و از سویی این دو متغیر بر سرمایه اجتماعی مؤثرند و از سوی دیگر دینداری از مسیر تیپ شخصیتی

معاشرتی و مشارکت داوطلبانه بر سرمایه اجتماعی مؤثر است.

قاسمی و امیری اسفرجانی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «تبیین جامعه‌ساختی تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی درون گروهی (مطالعه موردی شهر اصفهان)» به بررسی تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. جامعه آماری این تحقیق جمعیت ۱۵ سال به بالای شهر اصفهان و تعداد نمونه ۳۸۴ نفر بوده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که اکثر افراد نمونه به لحاظ سطح دینداری و سرمایه اجتماعی در سطح متوسط و بالا و تنها درصد کمی از آنها در سطح ضعیف قرار داشته‌اند. همچنین آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که دینداری به میزان ۰/۱۴ بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد و معنادار بوده است.

ربانی و گنجی (۱۳۸۷) در پژوهشی با موضوع «تحلیلی بر رابطه دینداری و سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان» به مطالعه ارتباط دین و سرمایه اجتماعی در دانشگاه اصفهان می‌پردازد. در این پژوهش پس از کنکاش در مسائل تحقیق و سنجش ابعاد دینداری و شاخص‌های سرمایه اجتماعی، به وجود رابطه معنادار، مستقیم و قوی بین دو مقوله فوق اذعان می‌گردد.

نتیجه‌گیری

مطالعاتی که درباره رابطه دینداری و سرمایه اجتماعی در سایر کشورها انجام شده، به نتایج متفاوت و گاه متناقضی انجامیده است. برخی از این تحقیقات حکایت‌گر رابطه مستقیم این دو متغیر است، نظری مطالعه گریلی^{۵۱}، ۱۹۹۷ که نشان داد در کشورهایی که سطح دینداری پایین است، سطح سرمایه اجتماعی و به ویژه مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی نیز در سطح پایینی قرارداد. از سوی دیگر برخی از تحقیقات انجام شده، منکر وجود رابطه دینداری و سرمایه اجتماعی هستند. نتیجه تحقیق کاندلند^{۵۲}، ۲۰۰۰ نشان داده که ادیان همیشه نمی‌توانند موجب ایجاد سرمایه اجتماعی شوند و پاتنام^{۵۳} در تحقیق خود در جنوب ایتالیا به این نتیجه رسیده که مسیحیت کلیسای کاتولیک بنیان ضعیفی

برای سرمایه اجتماعی است. حتی یافته‌های او نشان می‌دهد که حضور در کلیسا رابطه معکوسی با شرکت در تشکل‌های مدنی دارد (افشانی، ۱۳۹۱).

﴿۱۵۲﴾

از این روی در این پژوهش سعی شده تا با مطالعه سایر تحقیقات مرتبط و کتب دینی و مذهبی، به بررسی تأثیر باورها و رفتارهای دینی بر رفتارهای اجتماعی پرداخته شود. باورهای دینی ما و آنچه خاصه در هزار و چهار صد سال گذشته در آموزه‌های دینی به ما رسیده، بیان‌گر این اصل است که دین و آموزه‌ها و رفتار براساس آن، می‌تواند سرمشق و نقشه راه زندگی بشر که شامل همهٔ شؤونات فردی و اجتماعی زندگی است باشد. بی‌تر دید دین میان اسلام که برای سعادت بشر نازل شده است و به تعبیری دستور العمل جامع خالق برای استفاده مخلوق است، باید جوابگو و روشن کننده همهٔ سؤالات در نحوه سلوک و معاش بشر باشد.

با مطالعه پژوهش‌های انجام گرفته، در هر دینی که گرایش به فردگرایی به صورت بارز وجود دارد، دینداری سبب کاهش سرمایه اجتماعی می‌گردد و تضعیف سرمایه اجتماعی نیز به معنای ضعف اعتماد بین افراد است، اما سرمایه اجتماعی نتیجه اعتماد به افراد را پیش‌بینی می‌کند. ضعف اعتماد به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و تضعیف انسجام اجتماعی در جامعه، از بارزترین پیامدهای از بین رفتن حضور اجتماعی دین خواهد بود. این نتایج در آثار صاحب‌نظران بزرگی چون کلمن، فوکویاما، گیدنر، دور کیم و... نیز دیده می‌شود. دین باوری و تعهد دینی می‌تواند در انسجام‌بخشی اجتماعی، تسهیل در جامعه‌پذیری، تعریف ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، تحکیم عواطف مشترک، تقویت پایه‌های کنترل اجتماعی، افزایش آرامش خاطر، تقویت روحیه گروهی، همکاری و تعاون، برقراری کنش‌های اجتماعی مبتنی بر اعتماد و صداقت، تثیت احساس تعهد و التزام، گسترش و تقویت مشارکت فعالانه و نظایر آن، نقش مؤثر و تعیین کننده‌ای ایفا می‌نماید. از آن جا که ادیان از نشستهای عمومی، مراسم و

مناسک برخوردارند، باعث توسعه شیوه همکاری و تعاون و آگاهی از مسائل اجتماعی می‌گردند و ادیانی که بیشتر از مراسم و مناسک عمومی برخوردارند در افزایش سرمایه اجتماعی نقش بیشتری ایفا می‌کنند.

بر پایه نتایج تحقیق، در جوامع می‌باید دین را به عنوان عاملی انسجام‌بخش، در جهت تقویت همکاری و همیاری و نیز عاملی اساسی در تقویت اعتماد متقابل بنگرند؛ که در نهایت همگی به ایجاد و حفظ سرمایه اجتماعی منجر می‌شوند. بنابراین بهره گیری مؤثرتر از ظرفیت‌های موجود دین و مذهب به عنوان گنجینه مهم سرمایه اجتماعی موضوع مهمی است که سیاست‌گذاری مبنی بر پژوهش‌های علمی و کابردی روزآمد را می‌طلبد.

پی‌نوشت‌ها

1. Norms
2. Value
3. Truth
4. Commitments
5. Social Capital
6. Sociology
7. Field
8. Religion
9. Religious behaviour
10. Behaviour
11. Attitude
12. Social Trust
13. Social Solidarity
14. Quality of life
15. Social Welfare
16. External factors
17. Feminism
18. Durkheim
19. Theodore W. Schultz
20. Cultural capital
21. Network
22. James Coleman
23. Robert D. Putnam
24. World Bank
25. Organisation for Economic Co-operation and Development -OECD
26. Offe and Fuchs

27. Pierre Bourdie
 28. Stones
 29. Social Sharing
 30. Alexis de Tocqueville
 31. Rousseau
 32. Stuart Mill
 33. Francis Fukuyama
 34. Trust
 35. Psychology of Religion
 36. Religious Psychology
 37. American Association of Christian Counselors (AACC)
 38. Christian Association for Psychological studies
 39. Society for the scientific study of religion
 40. Religen Research Association
 41. Chirstian medical and pental society
 42. Worthington
 43. Kurursu
 44. Mac Cuiough
 45. Auguste Comte
 46. Giddens
 47. Joshowalot
 48. Justice
 49. Wisdom
 50. Religosity
 51. Greeley
 52. Candland
 53. Putnam

منابع و مأخذ

• قرآن کریم.

۱. آرین، خدیجه (۱۳۷۸)، «بررسی رابطه دینداری و روان درستی ایرانیان مقیم کانادا»، پایان نامه دکتری، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی علیه السلام.
۲. ابراهیمی آقچای، راحله (۱۳۸۶)، «بررسی رابطه دینداری با میزان عزت نفس بین دانشجویان دانشگاه پیام نور ورامین»، پایان نامه کارشناسی.
۳. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، نشر نی.
۴. استونز، راب (۱۳۷۹)، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران، نشر مرکز.
۵. افشاری، سید علی رضا؛ عسکری ندوشن، عباس؛ حیدری، محمد و نوریان نجف‌آبادی، محمد (۱۳۹۱)، «رابطه دینداری با سرمایه اجتماعی در شهر نجف‌آباد»، مجله رفاه

اجتماعی، ش ۴۴.

۶. الوانی، سید مهدی (۱۳۸۰)، «نقش مدیریت در ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی»، تدبیر، ش ۱۰۰.

۷. بهار، مهری و میثمی، مهدی (۱۳۹۱)، «بررسی نقش دینداری در سرمایه اجتماعی کارکنان شرکت ملی صنایع پتروشیمی ماهشهر»، نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۲۷.

۸. بهشتی، احمد (۱۳۵۰)، انسان و مذهب، تهران، انتشارات کتابخانه صدر.

۹. تاجبخش، کیان؛ نقفی، مراد و کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۲)، «سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی (بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران امروز)»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ویژه نامه سیاست اجتماعی، س ۳، ش ۱۰.

۱۰. توکویل، الکسی دو (۱۳۴۷)، تحلیل دموکراسی در آمریکا، ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۱. حسینی (۱۳۸۴)، «سرمایه اجتماعی: بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سهم استان در تولید ناخالص داخلی برای سال ۷۹»، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه مازندران.

۱۲. خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۷۲)، دینپژوهی، دفتر اول، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۱۳. دورکیم، امیل (۱۳۸۱)، درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهاشم، تهران، نشر مرکز.

۱۴. رباني، علي و گنجي، محمد (۱۳۸۷)، «تحلیلی بر رابطه دینداری و سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان»، مجله علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)، ش ۴۱.

۱۵. رناتی، محسن (۱۳۸۱)، «سقوط سرمایه اجتماعی»، مجله آفتاب، ش ۱۶.

۱۶. زین‌آبادی، محسن (۱۳۸۷)، «تئوری و نظریات مربوط به اعتماد اجتماعی در جامعه»، تهران، پژوهشنامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ش ۱۶.

۱۷. شارع پور، محمود (۱۳۸۰)، «بعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، گروه مؤلفان، تهران، انتشارات پیام نور، صص ۶۳-۸۸.

۱۸. فیلد (۲۰۰۳) (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی: مطالعه موردی در روستاهای استان فارس»، سید مسعود ماجدی، عبدالعلی لهسایی‌زاده، فصلنامه روستا و توسعه، س ۹، ش ۴.

۱۹. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم (سرمایه اجتماعی و حفظ آن)، ترجمه غلامعلی توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان.

۲۰. قاسمی، وحید و امیری اسفرجانی، زهرا (۱۳۹۰)، «تبیین جامعه‌شناسی تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی درون گروهی (مطالعه موردی شهر اصفهان)»، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۴۲.

۲۱. کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمۀ منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۲۲. گلزاری، محمود (۱۳۸۰)، درآمدی بر روش‌شناسی اسلامی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی ره.
۲۳. گلزاری، محمود (۱۳۸۰)، «مقیاس عمل به باورهای دینی؛ خلاصه مقاله دین و بهداشت روان»، بی‌جا.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۱)، *انسان و ایمان*، قم، انتشارات صدرا.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۵۲)، *علل گرایش به مادی‌گری*، قم، انتشارات صدرا.
۲۶. موسوی، میرطاهر و همکاران (۱۳۸۶)، «طرح ملی پژوهشی بررسی و سنجش سرمایه اجتماعی در ایران»، به سفارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
۲۷. مهدوی، صادق؛ ادریسی، افسانه و رحمانی خلیلی، احسان (۱۳۹۰)، «معاشرت و مشارکت در حلقۀ ارتباطی در تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی)»، *مجلة علوم اجتماعية* (دانشگاه علامه طباطبائی ره)، ش. ۵۴.
۲۸. نیکویی (۱۳۸۳)، «بررسی رابطۀ دینداری با طلاق بین زنان شهر تهران»، پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد.

